

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۱۷

فصل ۲: ۳۱ - ۴۰

آیه حفظی برای ۱۶ ماه می سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، ارمیا ۲۵: ۱۲

۱۲ و خداوند می‌گوید که "بعد از انقضای هفتاد سال من بر پادشاه بابل و بر آن امت و بر زمین کلدانیان عقوبت گناه ایشان را خواهم رسانید و آن را به خرابی ابدی مبدل خواهم ساخت."

آیه حفظی برای ۲۳ ماه می سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، اشعیا ۴۴: ۶-۷

۶ خداوند پادشاه اسرائیل و یهوه صباوت که ولی ایشان است چنین می‌گوید: من اول هستم و من آخر هستم و غیر از من خدایی نیست. ۷ و مثل من کیست که آن را اعلان کند و بیان نماید و آن را ترتیب دهد، از زمانی که قوم قدیم را برقرار نمودم. پس چیزهای آینده و آنچه را که واقع خواهد شد اعلان بنمایند.

قرانت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۲: ۳۱ - ۴۰ را

بخوانید.

۳۱ تو ای پادشاه می‌دید و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت

و منظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد.

۳۲ سر این تمثال از طلای خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود.

۳۳ و ساقهایش از آهن و پایه‌هایش قدری از آهن و قدری از گِل بود.

۳۴ و مشاهده می‌نمودی تا سنگی بدون دستها جدا شده، پایه‌های آهنین و گلین آن تمثال را زد و

آنها را خرد ساخت.

۳۵ آنگاه آهن و گِل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاهِ خرمن تابستانی گردیده، باد آنها

را چنان برد که جایی به جهت آنها یافت نشد. و آن‌سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی

جهان را پر ساخت.

۳۶ خواب همین است و تعبیرش را برای پادشاه بیان خواهیم نمود.

۳۷ ای پادشاه، تو پادشاه پادشاهان هستی زیرا خدای آسمانها سلطنت و اقتدار و قوت و حشمت به تو داده است.

۳۸ و در هر جایی که بنی آدم سکونت دارند، حیوانات صحرا و مرغان هوا را به دست تو تسلیم نموده و تو را بر جمیع آنها مسلط گردانیده است. آن سرِ طلا تو هستی.

۳۹ و بعد از تو سلطنتی دیگر پستتر از تو خواهد برخاست و سلطنت سومی دیگر از برنج که بر تمامی جهان سلطنت خواهد نمود.

۴۰ و سلطنت چهارم مثل آهن قوی خواهد بود زیرا آهن همه چیز را خرد و نرم می‌سازد. پس چنانکه آهن همه چیز را نرم می‌کند، همچنان آن نیز خرد و نرم خواهد ساخت.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه: در جلسات گذشته خواندیدم که فصل دوم کتاب دانیال ۳۰ تا آیه اول را می‌شود به دو قسمت تقسیم کرد. از آیه ۱ تا آخر ۱۳ نبوکدنصر خوابی می‌بیند در مورد آینده حکومتش و آینده جهان، که جزئیاتش را فراموش می‌کند. می‌شود اسم این قسمت را گذاشت خواب فراموش شده. و سپس در آیات ۱۴ الی ۳۰ دانیال فراموش نشدنی را می‌بینیم.

نبوکد نصر حکیمان دربارش را فرامی‌خواند تا مشکل او را حل کنند. ولی برای مطمئن شدن از صحت تعبیر کارشناسانش، چالشی سخت در مقابلشان می‌گذارد. نبوکد نصر می‌گوید: هم باید خواب را به من بگویند و هم تعبیرش را. و گرنه می‌فهمم که می‌خواهید به من دروغ بگویند و همه تان را می‌کشم.

و دیدیم که حکیمان دربار نبوکد نصر مجبور می‌شوند که به عجز خود در انجام فرمان نبوکدنصر اعتراف کنند و بگویند که فقط یک موجود ماوراء طبیعی می‌تواند جزئیات یک خواب فراموش شده کس دیگری را بیان کند و تعبیر درستش را هم بگویند. و این اعتراف به عجز حکیمان دربار، صحنه را برای آمدن دانیال دقیقاً بر طبق نقشه خدا آماده می‌سازد.

دانیال اول در آیات ۳۱ الی ۳۵ خوابی را نبوکد نصر دیده بود را دقیقاً به او می گوید. چند نکته را می توانیم از بازگویی دانیال در مورد خوابی که نبوکد نصر دیده بود، دست چین کنیم:

۱- دانیال به نبوکد نصر می گوید که تو در خوابت پیکره عظیم انسانی را دیدی که از فلزات مختلف بود و می درخشید.

۲- وقتی شما از سر تا به کف پای پیکره را نظاره می کنید می بینید که از ارزش فلزات کاسته می شود.

۳- همچنین، همانطور که از سر پیکره به کف پای پیکره می روید، از وزن مخصوص این فلزات کاسته می شود. وزن مخصوص نسبت وزن یک ماده است به حجمش. طلا از نقره سنگین تر است، نقره از برنز، برنز از آهن، و آهن از سفال. کف پاها و انگشتان پاها که از سفال اند، شکننده اند. یعنی جهان درست پیش از بازگشت مسیح، که کنترلش در دست حکومت‌های غیر یهودی است، وضعیت اش بی ثبات و شکننده و رو به انزوال است تا زمان بازگشت مسیح. و این دقیقاً شرایط زمانه ما را توصیف می کند.

۴- سپس، ویرانی این پیکره است که در آیات ۳۴-۳۵ می خوانیم. سنگی از آسمان، بدون دستها جدا شده، یعنی منشاء آن انسانی نیست، الهی است، به پاهای آن پیکره می خورد و آن پیکره را خرد می سازد، بزرگ شده تمام جهان را در بر می گیرد و آن پیکره خرد شده و مثل گرد و غبار به باد میرود. حالا می رسیم به تعبیر و تفسیر این خواب از زبان دانیال و با الهام خدا.

در آیات ۳۶ الی ۴۵ می شود پنج قدرت جهانی را تشخیص داد. دانیال تمامی خواب نبوکد نصر را مو به مو، دقیق برای او بازگفت و برای همین است که من قویاً فکر می کنم، نبوکد نصر شگفت زده در سکوت کامل است و به دانیال گوش می دهد و بعد دانیال شروع می کند به تعبیر خواب.

در جلسه گذشته به تفصیل و مطالعه کردیم که دانیال اعلام می کند، با الهام روح پاک خدا، که آن سر طلا خود نبوکد نصر است. این اولین امپراطوری جهان بود که به قدرت رسید و دانیال سقوط آن را تقریباً ۷۰ سال قبل از وقوع آن پیشگویی می کند.

مطالعه امروز: حالا می رسیم به امپراطوری دوم. آیه ۳۲ می فرماید: **سر این تمثال از طلای خالص** (که این نبوکد نصر و امپراطوری بابل بود) **و سینه و بازوهایش از نقره.** و آیه ۳۹ می فرماید: **و بعد از تو (ای نبوکد نصر و بابل) سلطنتی دیگر پست‌تر از تو خواهد برخاست.**

این امپراطوری دوم، بر طبق آیه ۳۲، توسط سینه و بازوهای آن پیکره نماینگر شده است. چرا می گوید سلطنت دومی پست تر از اولی است؟ به دو دلیل: دلیل اول- چونکه دومی، آن اتحاد و انسجام اولی را ندارد. امپراطوری اولی که بابل بود، توسط یک سر واحد نماینگر شده است. ولی امپراطوری دومی از دو قسمت تشکیل شده، سینه و بازوها.

دلیل دوم برای بکار بردن کلمه پست تر این است که در زبان آرامیک، که این قسمت کتاب دانیال نوشته شده است، "پست تر" یعنی "پائین تر." بعد از سر، بطرف پائین که می روید به سینه و بازوها می رسید. یعنی دانیال می خواهد بگوید که این امپراطوری دوم بعد از بابل به قدرت می رسد، و جای بابل را می گیرد نه اینکه از نظر کیفیت پست تر از بابل باشد. و البته این امپراطوری دوم، امپراطوری ایران است، سومی یونان است، و چهارمی روم که دلایلش را خواهم گفت که چرا اینها هستند. پنجمی که آیه ۳۴ می فرماید، قسمت **پایه‌های قدری از آهن و قدری از گل بود** بعدا خواهیم رسید که بسیار مهم است.

دانیال اشاره ای به کیفیت و یا وسعت و قدرت امپراطوری های بعدی نمی کند. چون امپراطوری بعدی، حداقل سه تای بعدی، هر کدام از قبل هم بزرگتر و هم قویتر می بودند. امپراطوری ایران که جای بابل را گرفت، از بابل قویتر و بزرگتر بود، یونان که جای ایران را گرفت، از ایران قویتر و بزرگتر می بود، و روم که جای یونان را گرفت، از یونان بزرگتر و قویتر می بود.

حالا، این امپراطوری دوم ایران که توسط **سینه و بازوهای نقره** آن پیکره نماینگر شده است. چرا؟ به دلایل زیر:

۱- امپراطوری ایران از اتحاد مادها و فارسها تحت رهبری کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ پیش از میلاد بنیاد گذاشته شد. از دو قسمت تشکیل شده بود و در نهایت فارسها بر مادها برتری یافتند و کنترل امپراطوری را بدست گرفتند. حالا دقت کنید، در بدن انسان قسمت سینه و بازوها، از دو قسمت تشکیل شده است و معمولا سمت راست از سمت چپ قویتر است. این تصویر دقیقی است از وضعیت امپراطوری ایران.

۲- این امپراطوری توسط فلز نقره مجسم شده است. یکی از خصوصیات امپراطوری ایران استفاده شان از نقره می بود. کتاب تاریخ هردوت، بخش سوم، فصلهای ۹۰ الی ۹۷، به ما می گوید که ایرانیان سیستم ضرب سکه نقره ای را بوجود آوردند، و نیز یک سیستم مالیاتی را، که مالیاتها با سکه های نقره

می بایستی پرداخت می شد. و نیز می دانیم که خشایار شاه، در واقع خشایار شاه اول، که بعد از پدرش داریوش اول به سلطنت رسید، از ذخیره نقره فراوانی که در ایران بود برای پرداخت مخارج جنگهایش با یونانیان استفاده می کند.

۳- تاریخ به ما می گوید که امپراطوری ایران تحت رهبری کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ پیش از میلاد بنیاد گذاشته شد. و در اکتبر سال ۵۳۹ پیش از میلاد، کوروش بزرگ، بابل را فتح می کند. تاریخ پیشگونی دانیال را تائید می نماید.

حالا دقت کنید، در ابتدای فصل دوم کتاب دانیال می خوانیم که رویدادهای خواب نبوکد نصر و بازگونی و تعبیر آن توسط دانیال در سال دوم سلطنت نبوکد نصر رخ دادند. سال دوم سلطنت نبوکد نصر کی می شود؟ سال ۶۰۳ پیش از میلاد. یعنی ۶۴ سال پیش از سقوط بابل، دانیال آنرا پیشگونی می کند با الهام روح القدس در حالی که هیچ نشانه ای از ضعف و یا علائم سقوط در امپراطوری بابل در آن مقطع نبود. این حقانیت کتاب مقدس را در میان صدها دلیل دیگر ثابت می کند.

در جلسه بعدی می رسیم به امپراطوری سوم یعنی یونان.